



شیوه نقد و تصحیح متون

دکتر عبدالحسین زرین کوب



عیب عمده محققان فرنگی این است که کار بقاعده می کنند و در هر کاری آدابی و ترتیبی می جویند. به خلاف فضلاء ما که گردن به هیچ قاعده و قانونی نمی گذارند و در هر جا، هر چه دلشان می خواهد می گویند. برای همین است که فضلاء ما، محققان و خاورشناسان اروپائی را به نادانی و کژفهمی و حتی به بلفضولی متهم و منسوب می دارند و کاری را که آن بیچاره ها درباره فرهنگ و لغت و ادب ما انجام می دهند، لغو و بی ارج و فضولانه می شمارند. راست می گویند اصلاً این فرنگی ها چه حق دارند زبان ما را بیاموزند و درباره زبان حافظ و خیام، تحقیق و تتبع بنمایند؟ از اینکه بگذریم، به آنها چه ربطی دارد که آثار شاعران و نویسندگان ما را طبع و نشر بکنند و نام این طبع و نشر را انتقاد متون بگذارند. آیا هرگز به خاطر فضلاء ما گذشته است که فضولی کنند و به طبع و تصحیح متون آثار نویسندگان و شاعران فرنگی دست بزنند؟ تازه محقق فرنگی، هر قدر زبان فارسی را خوب آموخته باشد، در این زبان، هرگز ذوق درست سخن شناخت ندارد، و ناچار نمی تواند مانند فضلاء و ادیبان ما، آثار شاعران و نویسندگان فارسی زبان را، صد درجه بهتر و مقبولتر از آنچه خود آن شاعران و نویسندگان سلف گفته اند و نوشته اند، تصحیح و طبع کند. درین صورت، آخر به چه حقی دست به کار نقد و تصحیح متون قدیم فارسی می زند و چنین مخاطری را ارتکاب می کند!

با چنین وضعی، آیا شایسته نیست که فضلاء و ادیبان ما زودتر بجنبند و ته مانده بساط متون فارسی را، که هنوز عرضه دستبرد فرنگی نشده است، طبع و تصحیح کنند و رسم و طریقه طبع و نشر کتابفروشی های بازار بین الحرمین را، با صورتی مطبوع تر و بدیع تر، تجدید و احیاء نمایند. آخر، اگر قرار شود در نقد و تصحیح متون فارسی هم، از قانون و ترتیب فرنگی ها تبعیت بشود و رسم و

شیوه شارحان و ادیبان خودمان، منسوخ و متروک گردد، کار به دست ناهلان می افتد و زبان فارسی عرضه خطر می شود. این خطر که امروز زبان ما و فرهنگ ما را تهدید می کند، در واقع از ناحیه همین محققان و خاورشناسان فرنگی است. چون، این جماعت کمر به قتل فرهنگ و زبان ما بسته اند و می خواهند هر طور شده است، این باقی مانده آبروی ما را هم در دنیا ببرند و برای همین هم هست که اینها از روی ریا و هوی، در نشر آثار ادب گذشته ما این قدر اصرار و اهتمام دارند. اگر این اصرار و اهتمام از شائبه غرض و مرض، به کلی عاری است، آخر چه سبب دارد که در نقد متون گذشته این قدر دقت و وسواس ادعائی، به خرج می دهند و از هر گونه تصرف و تصحیح قیاسی در آن متون خودداری و جلوگیری می کنند؟

اگر فرنگی، این قدر اصرار و تأکید در حفظ و ضبط عین متون نمی داشت و این قدر ما را از تصرف عمدی و تصحیح قیاسی در متون قدیم نمی ترسانید، آیا فضلاء و ادیبان ما، خودشان نمی توانستند آثار شاعران و نویسندگان گذشته را، خیلی بهتر از آنچه خود آنها ساخته اند، به حلیه طبع بیاریند و آن آثار را به طوری تصحیح و اصلاح کنند که اگر آن سخندانان سلف، سر از خاک به در آورند، چاره یی نداشته باشند جز اینکه بر خوش ذوقی و نکته دانی این فرزندان خلف، آفرین و ماشاءالله بگویند. خلاصه، اگر این عرایض را حمل بر شوخی نفرمایید، هر بلایی که این روزها به سر ما می آید و هر خطری که زبان و فرهنگ ما را تهدید می کند، از این فرنگی هاست و از اینهایی که از فرنگی ها پیروی می کنند و اصرار دارند، در نقد و تصحیح متون، ترتیبی و آدابی، که مخصوص فرنگی هاست، رعایت بشود...

* * *

محقق اروپایی، که از علم لدنی و از اشراق و شهود ادیبان ما،

بویی نبرده است، وقتی می خواهد اثری را که از آن نویسندگان و شاعران قدیم ماست، طبع و نشر کند، در دقت افراط می کند و اگر محقق واقعی باشد - نه مدعی و جاسوس مثلاً - این دقت او دیگر سر به وسواس می زند. نسخه های کتاب را از هر جا جستجو می کند، فهرست های کتابخانه های جهان را از روی دقت، وارسی می کند، برای به دست آوردن نسخه یی یا اطلاعاتی از یک نسخه، به شهرها و کشورهای دور سفر می کند، ساعتها و روزها در بین قفسه ها و صندوق های گردآلود کتابخانه ها تفحص می نماید، از هر کسی و از هر جایی که احتمال می دهد بتواند خبری از نسخه مطلوبش به دست دهد، سراغ می گیرد، با تمام اهل خبرت، آن قدر که ممکن است، مکاتبه می کند. اگر نتواند تمام نسخه های موجود کتاب را به دست آورد، از کهنه ترین و معتبرترین آنها، آن قدر که ممکن هست، اطلاعات درست دقیق موثق به دست می آورد و بسا که چندین سال تمام اوقات خود را صرف می کند تا نسخ کتابی را که مطلوب و منظور اوست، یا عکسها و رونویسهایی از آن نسخ را از اطراف دنیا جمع بیاورد. اتفاق می افتد که وقتی از وجود نسخه یی معتبر و دقیق اطلاع پیدا می کند، و آن را در دسترس ندارد، کار تصحیح و مقابله را موقوف می کند و تمام وقت و سعی و همت خود را صرف می کند تا آن نسخه یا رونویسی از آن را به دست بیاورد. تازه، قناعت به نسخه های موجود نمی کند، در تذکره ها و مجموعه ها، در رساله ها و سفینه ها هم تفحص می کند تا اگر اجزایی از آن کتاب در جایی دیگر نقل و انتخاب شده است، آنها را هم به دست بیاورد و در مقابله و تصحیح مواضع و مواردی که ضرورت اقتضا می کند، از آنها نیز فایده بجوید. اما این نسخه ها را که به این زحمت به دست می آورد، چه می کند؟ خیال می کنید، فی الفور یکی را آن را که از همه قدیمتر است، اصل و متن قرار می دهد و سایر نسخه ها را با آن می سنجد و نسخه بدلها را در ذیل صفحات یا در تعلیقات، یادداشت می کند و دیگر خاطرش آسوده می شود که کتاب را تصحیح و مقابله کرده است؟ خیر، اول به مطالعه مقدماتی اما دقیق تمام نسخ می پردازد، مختصات و مشخصات رسم الخطی و کتابتی هر نسخه را تعیین می کند. کاتبان نسخ و تاریخ کتابت نسخ را تا جایی که ممکن است، معلوم می نماید. نسخه ها را از جهت خط و کاغذ و صحافی، به دقت بررسی می کند، اختلافات کلی نسخ را به دقت یادداشت می نماید و از مجموع این تحقیقات که با صبر و حوصله تمام، در کنج خانه یا گوشه کتابخانه، انجام می یابد، معلوم می نماید که ازین نسخه ها، کدام معتبرترست و کدام از روی خط مؤلف یا از روی نسخه های

معتبر قریب به عصر مؤلف کتابت شده است. با دقت و تعمق، بدین گونه، نسب نامه نسخ را معلوم می کند. بعد از تأمل و تحقیق، از بین نسخ موجود، آن چند نسخه یی را که از حیث نسبت و نسب - یعنی از حیث ارتباط و اتصال با مؤلف اصل کتاب - عالی تر و اصیل ترند، و در عین حال از حیث قدمت و صحت و دقت، مزیتی و اعتباری بیشتر دارند، انتخاب می کند. آنها را به دقت با هم می سنجد و مقابله می کند. آن را که قدیمتر یا کاملترست، متن و اصل قرار می دهد و اختلافات سایر نسخ را با آن، به دقت تمام در ذیل ضبط می کند. در قرائت کلمات و در حفظ رسم الخط نیز، منتهای دقت و امانت را به کار می بندد. از تصحیح قیاسی و اجتهاد شخصی، آن هم در متن خودداری می کند و در حاشیه نیز، اگر به قیاس تصحیح و اصلاحی را پیشنهاد می کند، در آن تصحیح و اصلاح، نهایت دقت و احتیاط را به خرج می دهد، به کتب و مأخذ معتبر رجوع می کند، از اهل فن و اهل خبرت تحقیق می کند و در استعمال عصر مؤلف یا قبل از آن، تا جایی که ممکن است، شواهد کافی برای آن قیاس خویش پیدا می کند و تازه اطمینان ندارد، که آنچه از روی این قاعده و ترتیب، درست کرده است، تصویر درستی از اصل کتاب بتواند عرضه کند؟

* * *

این همه زحمت و مرارت را محقق فرنگی، برای آن در تصحیح و نقد متون تحمل می کند که گمان می کند، این کار قاعده یی و ترتیبی دیگر ندارد. بیچاره، کار را بر خودش سخت می گیرد و برای همین است که نقد و تصحیح یک کتاب، برای او گاه بیست سی سال مدت می گیرد. غافل، که فضلاء و ادیبان ما به یمن همت و مجاهده و به برکت شهود و مکاشفه راههایی آسان تر برای این کار یافته اند و برای همین است که به آسانی می توانند سالی سه چهار کتاب بزرگ را که هر کدام از آنها برای فرنگی، کار یک عمرست تصحیح و مقابله کنند. ماشاءالله! حقیقت این است که برای فضلاء و ادیبان ما، اصلاً کار به این دشواری که فرنگی ها گمان برده اند، نیست. آخر تصحیح کتاب کهنه، چه فرقی دارد با غلط گیری روزنامه و مجله؟ پس چه لازم است که «فاضل مصحح» ما، مثل فرنگی ساده لوح برود در گوشه خانه یا کنج کتابخانه بنشیند و به کار دشوار تصحیح و مقابله نسخ بپردازد؟ مگر این کار را در پشت میز اداره یا چاپخانه و یا حتی در پشت دکان کتابفروشی نمی توان کرد؟ بعد، وقتی حروفچین مطبوعه می تواند به میل خود کلمات و عبارات نویسنده زنده یی را تحریف کند و پس و پیش بچیند و چاپ کند، چرا آقای «فاضل مصحح» حق این را نداشته

باشد که دیوان حافظ و سعدی و خاقانی و سنائی را مثلاً، بهتر از خود آنها و مطابق سلیقه شخص خودش تصحیح و اصلاح بکند؟ محقق اروپایی، زبان نمی‌داند که این همه، اختلاف قرائتها و نسخه بدلها را ضبط می‌کند. اگر زبان می‌دانست، مثل «فاضل مصحح» ما، یک ضبط را مطابق سلیقه و اجتهاد خودش، انتخاب می‌کرد و تمام نسخه‌ها و نسخه بدلها را به دور می‌ریخت. باری، تهیه و تحصیل تمام این نسخه‌هایی که هر کدام در یک گوشه دنیا است، چه ضرورت دارد، و از آن گذشته، اصلاً مقابله این نسخه‌ها که لابد، هر یک غلطهایی مخصوص به خود دارد، کدام دردی را دوا می‌کند؟ این کار، وقت مصحح و کاتب و حروفچین و ناشر و خواننده را به کلی تلف می‌کند، و کتاب نویسنده و شاعر مرحوم را هم، در حقیقت پر می‌کنند از غلطنامه‌یی گمراه کننده و بی حاصل و تمام نشدنی. آخر اگر قرار باشد تمام نسخه بدلها را ضبط کنند تا هر کس مطابق میل و سلیقه خود، آنچه را صحیح تشخیص می‌دهد، بخواند و انتخاب کند، آیا بهتر نیست این کار را آقای «مصحح فاضل» انجام بدهد تا دیگر، کار به دست جاهل نااهل نیفتد و بین مقلد و مجتهد فرقی و تفاوتی باقی بماند؟

با این همه، برای اینکه بهانه‌یی هم که به دست یک مشت آدم جاهل مقلد «تجدید مآب» افتاده است، از دست آنها گرفته شود، مانعی ندارد که آقای «مصحح فاضل» خودش را تا این حد پایین بیاورد که بگوید و حتی در پشت کتاب هم بنویسد که در تصحیح و طبع کتاب آن را با جمیع نسخ کهنسال مقابله کرده است. البته وقتی آقای «فاضل مصحح» حاضرست، این بزرگواری را بکند و خود را تا حد محققان فرنگی پایین بیاورد که دیگر آدم فضولی نیاید و نگوید پس آن نسخه بدلها و اختلاف قرائتها که ناچار در این همه نسخه کهنسال بوده است، کجاست؟ چون، آن نسخه بدلها البته دیگر قابل ضبط نبوده است و هر چه ذوق و سلیقه «فاضل مصحح» بر آن مهر قبول نهاده است، معتبر و ممضی بوده است. آیا لازم بوده است که اوصاف و مشخصات آن نسخه‌های کهنسال هم، مطابق شیوه‌یی که فرنگی‌ها دارند، تعیین بشود؟ اما، آیا انصاف است که «فاضل مصحح» ما بیاید و در طی آن مقدمه مسجع و مصنوعی که بر کتاب نوشته است، و در آن از هزاران مشکلات و موانعی که در سر راه طبع و تصحیح کتاب وجود داشته است و به قوت تدبیر او از میان برداشته شده است، آن همه سخن رانده است، تازه مشخصات و مختصات نسخه‌هایی را بنویسد که غالباً از اکثر آنها جز نامی نشنیده است و از اینها گذشته، ممکن هم هست ذکر مشخصات آن نسخ، سبب بشود که باز بلفضولی

برود و چند صفحه از آن نسخه‌ها را با نسخه مطبوع ایشان مقابله بکند و اسباب رسوایی و آبرو ریزی فراهم بیاورد؟ مع هذا، اگر باز اصراری هست که بنا بر معمول، مشخصات چند نسخه هم داده بشود تا زبان حاسدان و بدسگالان بسته آید، چاره اش آسان است. می‌توان مشخصات نسخه‌هایی را ذکر کرد و ادعا نمود که اکثر آن نسخه‌ها، متعلق به کتابخانه خصوصی مصحح یا ملک دوستان او بوده است و بعضی از آنها را هم، مثلاً آن کتابفروشی که ناشر این شاهکار طبع انتقادی ایشان است برای ایشان از دیگران به امانت گرفته است. اصلاً می‌شود گفت بعضی نسخه‌ها، به کلی مغلوپ بوده است و بعضی دیگر افتادگی داشته است و غیر از همان نسخه‌یی که مآخذ «مصحح فاضل» بوده است، هیچ نسخه دیگری در خور اعتنا نبوده است. حالا اگر کسی بیاید و بگوید، در نقد و تصحیح متون به هیچ وجه کافی نیست که آدم چهار یا پنج نسخه یا بیشتر را از هر جا به دستش آمد، مقابله کند و نسخه بدلهاشان را یادداشت کند، بلکه باید آن نسخه‌ها طوری باشد که از بین تمام نسخ موجود آن کتاب، از همه اصیلتر و معتبرتر باشد... بلی، اگر کسی بیاید و این حرف را بگوید، دیگر این آدم فضولی، کرده است و جز حسد و غرض، محرک دیگری نداشته است. و تازه، نسخه‌یی را که آقای «مصحح فاضل» به این ترتیب، به بازار آورده است، اگر کسی بازاری و معمولی و کم ارج بشمارد، و آن را شاهکار طبع انتقادی نداند، دیگر هر چه دیده است از چشم خود دیده...

اینها، اغراق و طیب نیست، جد و حقیقت است، و از این مقایسه، خوب می‌توان تفاوت بین شیوه نقد و تصحیح محققان فرنگی را با شیوه نقد و تصحیح فضلاء خودمان دریافت. این را شیوه محققان فرنگی گفتم، چون اهل فضل، عادت کرده‌اند آن را چنین بنامند و گر نه اکابر محققان سلف ما نیز، در نقد متون از دقت و امانت هیچ دقیقه‌یی را فروگذار نمی‌کرده‌اند. آخر، عقل سلیم حکم می‌کند، که وقتی شما می‌خواهید از گفته کسی، «اتخاذ سند» کنید و بر آن گفته، ترتیب اثری بدهید و مطالبی از آن درباره گوینده اش استنباط و استنتاج بنمایید، باید شرط دقت و امانت را در نقل و ضبط آن گفته به کار ببرید و لااقل خودتان اطمینان پیدا کنید که آنچه از قول او نقل می‌کنید، واقعاً قول خود اوست، نه قول مدعیان او. وقتی آنچه لازمه دقت و امانت است مراعات نشود و مصحح، به ذوق و سلیقه و تشخیص خودش نسخه‌یی بنویسد و از روی همان نسخه، درباره مؤلف کتاب، حکومت و قضاوتی اظهار کند، آیا آن نویسنده مرحوم، اگر سری از

خاک برآورد، حق ندارد بگوید که این آقا به میل خود، برای من، به اصطلاح «پرونده سازی» کرده است و آنچه مدرک و مستند حکم او یا قضاة دیگری که از روی نسخه مصحح او، درباره من قضاوت کرده اند، بوده است، اقرار من و شهادتات شهود نبوده است، فتوی و رأی خود او بوده است. گمان دارم، این دعوی را هر محکمه‌یی قبول می‌کند. ازین گذشته، این شیوه دقت و امانت و ضبط

اختلاف نسخ، شیوه‌یی نیست که محقق فرنگی آن را فقط در نقد متون فارسی به کار برده باشد. در نقد متون اروپائی و در تصحیح کتب قدیم یونانی و لاتینی نیز محققان اروپائی، شیوه‌یی جزین ندارند.

این مقاله از یادداشتها و اندیشه‌ها، نوشته دکتر عبدالحسین زرین کوب، چاپ چهارم (اول اساطیر)، تهران، ۱۳۷۱ ص ۱۸-۲۵ برگرفته شده است.



تازه‌های
نشر



معرفی دوساله کوتاه در باره لغات

کتابخانه مرکزی دانشگاه با نسخه ملک، به نتایج ذیل دست یافته است:

الف) نسخه ملک مختصرتر از نسخه دانشگاه و بسیاری از لغات و شرح آنها را ندارد، با این تفاوت که در نسخه دانشگاه لغات مشکل اسامی به عربی معنی شده، در حالی که در نسخه ملک شرح لغات تماماً به فارسی است.

ب) این دو نسخه به لحاظ ضبط لغات فارسی نیز متفاوت است و این تفاوتها غالباً جنبه لهجه‌ای دارند، مثل بادوان و بادبان یا خرکش و خرکوش.

ج) مهمترین ویژگی این رساله، تعداد لغات فارسی تازه‌ای است که در هیچ منبع دیگر نیامده است.

دکتر علی اشرف صادقی، علاوه بر تصحیح این رساله، فهرس دیگری نیز بدان افزوده که شامل اختلافات مهم نسخه الاجانة متعلق به کتابخانه ملک با نسخه عکسی (دانشگاه) و نیز فهرستهای قسمتهای سیاه شده چاپ عکسی (منظور نسخه الاجانة است که در پایان کتاب، فهرست الفبایی لغات و ترکیبات فارسی السامی فی الاسامی، تألیف دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴ به صورت عکسی آمده است) که با نسخه دانشگاه تکمیل شده، می‌باشد. در انتهای این رساله، رساله مختصر دیگری که در انتهای رساله الاجانة، بر اساس فهرست نام داروها بوده، آورده شده است، که این رساله نیز دارای چند لغت تازه و تلفظ جالب است.

مطالعه و بررسی این دو رساله کوچک برای علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی و ادبیات تطبیقی مفید خواهد بود.

اخیراً دو جزوه توسط دکتر علی اشرف صادقی در زمینه لغت نامه‌های فارسی، ضمیمه نامه فرهنگستان (۹ و ۱۰) تیر ماه ۱۳۷۹ تصحیح و چاپ شده است که جهت علاقه‌مندان زبان و ادبیات فارسی به معرفی آن در این شماره می‌پردازیم:

۱. خلاصه لغت فرس اسدی طوسی

این خلاصه مربوط است به نسخه شماره ۱۵۸۹ در کتابخانه کوپولو (ترکیه) که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و با نسخه ملک - که بنا به گفته دکتر علی اشرف صادقی از کهن‌ترین نسخ لغت فرس اسدی طوسی و منحصر به فرد است و از طرف دیگر بخشهای مهمی از آن افتاده است - مقابله شده است. این جزوه خلاصه، راهنمای بسیار خوبی برای اطلاع از بخشهای افتاده کتاب لغت فرس اسدی است.

۲. ترجمه فارسی الاجانة، شرح السامی فی الاسامی میدانی:

این جزوه مربوط است به رساله ناقصی در هفت صفحه که در آغاز مجموعه شماره ۵۸۳۹ کتابخانه ملی ملک آمده و نام آن در بالای صفحه اول مشکلات البلغه ذکر شده است و با نسخه الاجانة شماره ۱۳۳۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مقابله شده است. دکتر علی اشرف صادقی با بررسی این رساله متوجه شده که لغات شرح شده کاملاً شبیه لغاتی است که در الاجانة، یعنی شرح السامی فی الاسامی میدانی آمده و بسیاری از آنها در البلغه اصلاً نیامده است. وی در مقابله نسخه